

امام هادی (علیه السلام) و نکته هایی از آیات وحی

<?xml encoding="UTF-8">



مقدمه

قرآن برنامه زندگی برای تمام انسانهای عالم از صدر اسلام تا قیامت است. احکام و معارف و حیانی آن آحاد بشر را در تمام اعصار و مکانها به سوی زندگی برتر و سعادت بخش رهنمون می شود. آیات متعددی بر جهانی بودن احکام قرآن دلالت می کند که برخی از آنها عبارت اند از:

1. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا»؛ «ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم.»
2. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ»؛ «ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم.»
3. «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»؛ «پاینده است خدایی که قرآن را بر بنده اش فرستاد تا برای جهانیان هشدار دهنده باشد.»

و یکی از دلائل خاتمیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مسئله جاودانی بودن قرآن است. امام هادی علیه السلام به این نکته مهم در ضمن بیانی عالی اشاره کرده است:

يعقوب بن سكين نحوي - از مدافعان سرسخت اهل بيت عليهم السلام که جانش را نیز در این راه گذاشت - می گوید: از پیشوای دهم پرسیدم: چرا قرآن با نشر و آموزش و گذر زمان باز هم هر روز بر تازگی اش می افزاید: امام علیه السلام فرمود: «لَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لَزْمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَ لَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ چون خداوند تبارک و تعالی آن را برای زمان مشخصی نفرستاده که برای دیگر زمانها حکمی نداشته باشد و برای مردم خاصی نفرستاده که دیگر مردم از معارف آن محروم باشند. بنابراین، قرآن در هر زمان و نزد هر ملتی تا روز قیامت تازگی دارد.»

طبق این سخن، آیات وحی همواره مورد نیاز بشر بوده و در آینده نیز خواهد بود. قرآن در هر عصری و برای هر ملتی سخن تازه و اندیشه ای پویا مطرح می کند و هیچ قومی از آن بی نیاز نیست. این سخن ناپلئون بناپارت شنیدنی است که می گوید: «کجاست آن روزی که ما مجمع و هیأتی بزرگ از سیاستمداران و دانشمندان حقوق جهان تشکیل داده، قرآن کلام الهی و متین ترین قوانین محمدی، همان نسخه پرافتخار بشری را پیش رو گذاریم و از روی آن قوانین سعادت حقیقی بشر را تنظیم و تدوین کنیم.»

نظر به اهمیت فراوان توجه به قرآن در زندگی و سیره اهل بیت علیهم السلام در این فرصت، به بیان برخی از اندیشه های امام هادی علیه السلام در عرصه فضیلت، تفسیر و استدلال به آیات قرآن می پردازیم.

بیان شأن نزول آیات

حضرت هادی علیه السلام در راستای تبلیغ معارف قرآن و آموزه های رسول اکرم صلی الله علیه و آله به تفسیر و شأن نزول آیات اشاره می کرد و در فرصتهای مناسب به روشنگری اهل ایمان می پرداخت. خداوند متعال در آیه 108 سوره بقره از بهانه های بی جا و خواسته های کفرآمیز برخی از مسلمانان ضعیف الایمان و عده ای از مشرکان سخن گفته، با هشدار به اینکه درخواستهای نابه جا ممکن است زمینه ساز کفر باشد، می فرماید: «أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»؛ «آیا می خواهید از پیامبر خود همان را بخواهید که قبلاً از موسی خواسته شد؟ و هر کس کفر را با ایمان عوض کند، مسلماً از راه درست گمراه شده است.»

امام هادی علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: «آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله معجزه ای را می خواستند که به صلاحشان نبود، همانند رؤیت خداوند به صورت آشکارا. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان اعلام کرد که این خواسته به مصلحت نیست؛ اگر باز هم اصرار کنند و بعد از دیدن آن همه معجزه و برهان ایمان نیاورند و لجاجت کنند، از راه مستقیم که به بهشت می رود، منحرف و گمراه خواهند شد.» سپس حضرت به شأن نزول آیه پرداخته، می فرماید: «ده نفر یهودی تصمیم گرفته بودند که با سؤالات و خواسته های نابه جا، رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیازارند و به این منظور، به حضورش رسیدند و معجزات غیر معقول از آن حضرت خواستند. در همان حال، عربی بادیه نشین با کوله باری سنگین به حضور حضرتش وارد شد و گفت: ای محمد! خواسته مرا پاسخ ده! من برای حقانیت نبوت تو حجتی آشکار می خواهم و به کمتر از آن قانع نیستم.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را صدا زد و به اعرابی فرمود: تو بیان و حجتی آشکار خواستی و این دارای بیان رسا و علم کامل است. اساساً من شهر حکمت و این مرد در آن است. و با صدای بلند در میان حاضرین فرمود: ای بندگان خدا! هر که می خواهد به شکوه آدم و حکمت شیث و شرافت و هیبت ادریس، و بندگی و شکرگزاری نوح، دوستی و وفای ابراهیم، تجسم مبارزه با دشمنان خدا در وجود موسی، نیک رفتاری و محبت به اهل ایمان در سیره عیسی بنگرد، به این علی بن ابی طالب علیهما السلام نظاره کند. اعرابی گفت: ای محمد! من از او چیزی نمی پذیرم، مگر اینکه این سوسمار شهادت دهد. آن گاه او به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله آن حیوان عظیم الجثه را با زحمت فراوان از کوله بارش بیرون آورد و در مجلس رها کرد. سوسمار رو به پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و گونه های خود را به خاک مالید و به اذن خداوند و با صدای رسا گفت: شهادت می دهم که هیچ معبود حقی جز خدا نیست. او که یگانه و بی شریک است. شهادت

می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده و برگزیده اوست. او سرور رسولان، برترین آدمیان، خاتم پیامبران و رهبر سفید رویان است. شهادت می دهم که این برادرت علی بن ابی طالب علیه السلام با همان اوصاف و فضائل است که خود فرمودی. دوستانش در بهشت محترم و دشمنانش در دوزخ خوار و ذلیل اند. عرب بادیه نشین با دیدن این صحنه منقلب شد و در حالی که دانه های اشک به گونه هایش می لغزید، گفت: ای رسول خدا! من نیز به شهادت های سوسمار شهادت می دهم و آن گاه به یهودیان حاضر گفت: وای بر شما! بعد از این نشانه آشکار دنبال چه می گردید! شما راهی ندارید جز اینکه یا ایمان بیاورید و یا همگی نابود شوید. همه یهودیان حاضر ایمان آوردند و به عرب گفتند: ای برادر عرب! برکت سوسمارت بر ما چه بزرگ و با عظمت بود.»

برکات قرائت قرآن

ابی عمرو خدّاء از یاران امام جواد علیه السلام می گوید: بی کاری، بلاتکلیفی و فقر و بدهکاری چنان فشاری در زندگی برایم آورده بود که دیگر تحمل آن را نداشتم. به ناچار به حضور حضرت جواد علیه السلام نامه ای نوشته، از اوضاع پریشان زندگی ام شکایت کردم. امام علیه السلام در پاسخ صبر و بردباری و قرائت سوره نوح را توصیه کرد. یک سال به قرائت این سوره مداومت داشتم؛ اما تغییری در وضع زندگی ام ایجاد نشد. دوباره نامه نوشتم و از امام جواد علیه السلام یاری طلبیدم. امام در پاسخ فرمود: حالا به قرائت سوره قدر بپرداز! چند روزی نگذشته بود که ابن ابی داود به سراغم فرستاد. قرضه هایم را ادا و مخارج خود و خانواده ام را تأمین کرد. او مرا به بصره فرستاد و به عنوان نماینده خود در منطقه باب کلاء انتخاب کرد و پانصد درهم حقوق برایم تعیین کرد.

من که با توسل به قرآن و با راهنمایی امام نهم علیه السلام به تمام آرزوهایم رسیده و به زندگی راحت و مرفهی دست یافته بودم، روزی به توسط علی بن مهزیار از بصره به حضور امام هادی علیه السلام نامه ای نوشتم و عرضه داشتم: فدایت شوم! من زمانی از پدر بزرگوارت سؤالاتی کردم و رهنمود خواستم و در مورد سختی و فشار زندگی به آن گرامی شکایت کردم و در اثر رهنمودهای زندگی ساز آن حضرت به آنچه که می خواستم، دست یافتم. ای آقای من! دوست دارم شما هم مرا راهنمایی کنید؛ آیا فقط به مداومت سوره قدر در نمازهای واجب و غیر آن بپردازم یا در کنار سوره قدر سوره های دیگر را نیز تلاوت کنم؟ یا این عمل آدابی دارد که باید آن را رعایت کنم؟ چه دستوری می فرمایید؟

امام پاسخ داد: «هرگز تلاوت قرآن را کم یا زیاد رها مکن و قرائت سوره قدر در یک شبانه روز 100 مرتبه کافی است.»

برکات سوره هل اتی

این سوره یکی از مهم ترین دلائل برتری اهل بیت علیهم السلام بر دیگران می باشد؛ چرا که مفسران شیعه و بسیاری از مفسران برجسته اهل سنت می گویند: بخشی از آیات این سوره درباره علی، فاطمه زهراء و حسنین علیهم السلام نازل شده است. این موضوع آن چنان مسلم و تردیدناپذیر است که محمد بن ادریس شافعی پیشوای شافعی مذهبان در شعر معروف خود می گوید:

إِلَى مَ إِلَى مَ وَ حَتَّى مَتَى أَعَاتِبُ فِي حُبِّ هَذَا الْفَتَى

وَ هَلْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةً غَيْرَهُ؟ وَ فِي غَيْرِهِ هَلْ أَتَى، هَلْ أَتَى؟

«تا کی و تا چه زمانی در دوستی این جوان سرزنش خواهم شد؟ آیا فاطمه زهراء به غیر این جوان شوهر دیگری داده شد؟ آیا سوره هل اتی به غیر از او در مورد کس دیگری هم نازل شد؟»

این سوره که به اتفاق اکثر مفسرین در مدینه نازل شد، علاوه بر دارا بودن نکات جالب تربیتی و اخلاقی، برکات معنوی فراوانی را در خود جای داده است. علی بن عمر عطار می گوید: در روز سه شنبه به محضر امام هادی علیه السلام رفتم. حضرت فرمود: تو را دیروز ندیدم! گفتم: من سفر در روز دوشنبه را دوست ندارم. امام علیه السلام فرمود: ای علی! هر کس می خواهد خداوند او را از حوادث بد و شرّ در روز دوشنبه حفظ کند، در رکعت اول نماز صبح در روزهای دوشنبه سوره «هل اتی» را بخواند. سپس امام علیه السلام این آیه را قرائت کرد «فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا»؛ خداوند آنان را از شرّ آن روز نکه می دارد و آنها را با شادابی و شادمانی می پذیرد.»

نکته ای در آیه مباهله

مباهله یکی از شیوه های مناظره و مقابله با طرف مخالف است؛ به این ترتیب که افرادی که با یکدیگر درباره یک موضوع مهم مذهبی گفتگو دارند، در یک جا جمع می شوند و به درگاه خدا تضرع می کنند و از او می خواهند که دروغگو را رسوا ساخته، مجازات کند. قرآن به داستان مباهله رسول خدا صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران اشاره کرده، می فرماید: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»؛ «بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما از نفوس خود و شما هم از نفوس خود را فرا خوانیم. سپس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

امام هادی علیه السلام در معنای این آیه به نکته ظریفی اشاره دارد که فهم آن برای اهل تحقیق قابل توجه است. عیاشی سمرقندی می نویسد: امام هادی علیه السلام در تفسیر این آیه به یک سؤال قرآنی پاسخ می دهد. سؤال این است که اگر خداوند متعال پیامبرش را که دروغگو نمی دانست و آن حضرت صادق ترین انسان روی

زمین بوده است، پس چرا لعنت را بر دروغگویان قرار داده و دروغ را به دو طرف نسبت می دهد؟ امام علیه السلام در پاسخ این سؤال فرمود: «اگر می فرمود: بیاپید با همدیگر مباحله کنیم و لعنت خدا را بر شما قرار دهیم، آنان هرگز به مباحله نمی آمدند و گرنه خدا می داند که پیامبرش پیامهای او را به مردم می رساند و هرگز دروغگو نیست.»

پاسخ به پرسشهای فقهی

از وظائف امامان معصوم علیهم السلام و همچنین جانشینان آن بزرگواران، رفع مشکلات فقهی و بیان احکام شرعی بر اساس قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است. امام هادی علیه السلام نیز در این زمینه تلاشهای فراوانی انجام می داد که مواردی را در اینجا بیان می کنیم:

الف. ابو عبد الله زیادی می گوید: وقتی که متوکل عباسی مسموم شد، نذر کرد که اگر خداوند متعال او را شفا بخشد، اموال زیادی در راه خدا صدقه دهد. اتفاقاً او سلامتی خود را به دست آورد و از آن گرفتاری سخت نجات یافت. هنگام ادای نذر از فقهای معاصر سؤال کرد که چه مقدار صدقه دهد تا نذرش ادا شده باشد؟ آنان در مقدار نذر و مصداق «مال کثیر» اختلاف کرده، هر کدام سخنی را مطرح کردند.

یکی از مشاورانش به او گفت: ای امیر! اگر من پاسخ صحیح این مشکل را برای شما بیاورم، مرا در نزد شما چه پاداشی خواهد بود؟ متوکل گفت: اگر جواب صحیح را بیاوری، ده هزار درهم پاداش می گیری و گرنه صد تازیانه بر تو خواهم زد. او گفت: می پذیرم. آن گاه به پیشگاه امام دهم علیه السلام آمده و مشکل را مطرح کرده، پاسخ خواست. امام فرمود: «هشتاد درهم صدقه دهد!» وقتی که جواب را به متوکل داد، متوکل دلیل و مبنای حکم را خواست. امام هادی علیه السلام در بیان مبنای حکم فرمود: «خداوند در قرآن به پیامبرش می فرماید: **لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ**؛ «خداوند شما را در جاهای بسیاری یاری کرد [و بر دشمن پیروز شدید].» و شمار مواطینی که خداوند پیامبرش را یاری کرده، به هشتاد مورد می رسد.» متوکل از این پاسخ قرآنی خوشحال شد و مشاورش را تشویق کرد.

ب. در عصر متوکل عباسی، مردی مسیحی با زنی مسلمان عمل شنیع زنا را مرتکب شد. آن گاه اسلام آورد و شهادتین بر زبان جاری ساخت. مأموران حکومتی او را دستگیر کرده، نزد متوکل آوردند. علمای حاضر در مجلس در مورد این موضوع نظرهایی ابراز داشتند. یحیی بن اکثم از مهم ترین عالمان عصر گفت: مسلمان شدن او زشتی کفر و عمل ناپسندش را از میان می برد. در نتیجه، حد شرعی بر او جاری نمی شود. عده ای از فقها نیز گفتند: باید به او سه بار حد شرعی جاری کرد. برخی دیگر نظرات متفاوتی دادند.

خلیفه با مشاهده این اختلافات در تصمیم گیری دچار حیرت شد؛ ناگزیر پاسخ امام هادی علیه السلام را جویا شد. حضرت فرمود: «به آن مرد مسیحی زناکار آن قدر باید شلاق بزنید تا بمیرد.» یحیی بن اکثم و سایر فقها زبان به اعتراض گشودند و مبنای شرعی این فتوا را زیر سؤال بردند و گفتند: ای امیر!

چنین حکمی در کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله وجود ندارد. از او مدرک این حکم را بخواه! هنگامی که متوکل از امام علی النقی علیه السلام مدرک خواست، حضرت با اشاره به آیاتی از سوره غافر چنین نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ»؛ «پس چون عذاب ما را دیدند [از روی اضطراب و نگرانی] گفتند: ما به خدای یگانه ایمان آوردیم و به آنچه که قبلاً شریک خدای یگانه قرار داده بودیم، کافر گشتیم؛ اما هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، ایمانشان برای آنها سودی نداشت. این سنت خداوند است که همواره در میان بندگان اجرا شده و کفار در آنجا زیان کار گردیدند.» متوکل پاسخ امام هادی علیه السلام را پسندید و دستور داد به آن مرد مسیحی فاسق، آن قدر شلاق بزنید تا بمیرد.

بهانه های مشرکان مکه

حضرت امام علی النقی علیه السلام مناظره و احتجاج رسول خدا صلی الله علیه و آله را با مخالفین خود به وسیله آیات قرآن نقل می کرد و استدلالهای قرآنی پیامبر صلی الله علیه و آله را توضیح می داد. امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: به پدرم امام هادی علیه السلام عرضه داشتم: آیا حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله با مشرکان مناظره و گفتگو می کرد؟ فرمود: بلی، در موارد متعددی آن حضرت با مشرکان مکه مناظره رو در رو داشت و برخی آیات قرآن نیز آن را نقل می کند.

امام هادی در مورد گفتگوها و بهانه های واهی مشرکان فرمود: «روزی عبد الله بن ابی امیه مخزومی از سران لجوج قریش به آن حضرت گفت: ای محمد! ما به تو ایمان نخواهیم آورد، مگر اینکه از همین بیابان سنگلاخ و کوهستانی مکه چشمه ای برای ما پدید آوری: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعاً». آنان بهانه های دیگری نیز گرفتند و گفتند: «ما لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا»؛ «چرا این پیامبر غذا می خورد و در بازارها [مثل دیگران] راه می رود؟ پس چرا فرشته ای به سوی او نازل نمی شود تا در کنار او مردم را [از عذاب خدا] بیم دهد؟ چرا برای او گنجی فرستاده نمی شود؟ یا اینکه دارای باغی نمی باشد تا از میوه جات آن بخورد!» «رسول خدا صلی الله علیه و آله علاوه بر معجزات فراوان، پاسخ منطقی و قانع کننده نیز به آنان بیان می کرد؛ اما آنان نمی پذیرفتند.»